

مطالعه موردی اقدام به خودکشی در بین زنان ایران و تاجیکستان

بانودخت نجفیان پور^۱، عبدالمنان سعید اف^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی علل اصلی اقدام به خودکشی و فرایند تصمیم گیری آن در زنان استان ایلام در ایران و زنان شهر دوشنبه در تاجیکستان می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و با استفاده از رویکرد روش شناسی کیفی انجام شده است جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده زنان نجات یافته‌ای است که در سال ۱۳۹۱ اقدام به خودکشی و خود سوزی کرده بودند ۳۰ زن در استان ایلام و ۳۰ زن در شهر دوشنبه و توابع آن به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق صورت گرفت. و در تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری موضوعی استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش بیانگر این است که فقر اقتصادی و فرهنگ سنتی که از عوامل اصلی ایجاد خشونت خانگی، سلطه مردان بر زنان و دخالت خانواده شوهر، ایجاد احساس بی ارزشی و عدم حرمت نفس در این زنان است، جرأت اقدام به خودکشی را به بدترین شیوه برای آنها پدید آورده است. **واژگان کلیدی:** ایران، تاجیکستان، خودکشی زنان، فقر اقتصادی، فرهنگ سنتی.

مقدمه

عمل خودکشی امری پیچیده، چند بعدی و پر از تناقض است. با وجود بسیاری از بررسی‌ها و مطالعاتی که در زمینه خودکشی انجام شده است، هنوز جنبه‌های بسیاری در مورد مطالعه خودکشی و دلایل و پیامدهای آن وجود دارد که روشن نشده است ورتیمر (۲۰۰۴). خودکشی در هر کجای جهان که اتفاق بیفتد، نشانگر وجود ناهنجاریها و مسائل و مشکلات اجتماعی است. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، در هر ۴۰ ثانیه حدود یک نفر در جهان خودکشی می‌کند. خودکشی افراد بین سنین

^۱ - دانشجوی دکترای فلسفه اجتماعی - عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.

Email: najafianpour@yahoo.com

^۲ - استاد و مدیر گروه فلسفه آکادمی علوم دوشنبه، تاجیکستان.

Email: saidov.58@list.ru

۱۵ تا ۴۴، چهارمین علت عمده مرگ و میر و ششمین علت منجر به از کار افتادگی و ناتوانی است (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۲).

هرچند سازمان بهداشت جهان (WHO) در سال ۲۰۰۳ روز ده سپتامبر را روز پیشگیری از خودکشی نامید،

آمارهای خودکشی نشان از وجود مسئله‌ای همه گیر و جهانی دارد. مسئله‌ای که حتی از جنگ مهمتر است و میزان قربانیانی که می‌گیرد حتی از جنگ بیشتر است.

بنابراین مسئله خودکشی نه تنها حل نشده است بلکه به مسئله‌ای بسیار مهم‌تر نیز تبدیل شده است که پیامدهای گسترده‌ای را برای جوامع بشری در پی دارد. با پیشرفت تکنولوژی و شکل‌گیری وضعیت پست مدرن و از هم‌گسیختگی هویتی، ما شاهد بروز دلایل و علت‌های جدید خودکشی هستیم که در بسیاری از تحقیقات قبلی وجود نداشته است و مورد تحقیق قرار نگرفته است. و سرانجام اینکه، تجربه خودکشی امری خاص و محلی است و افراد در مناطق مختلف و از فرهنگ‌های مختلف به اشکال متفاوتی پدیده خودکشی را تجربه می‌کنند و با آن روبرو می‌شوند. در این پژوهش سعی شده پدیده خودکشی زنان را در کشورهای ایران و تاجیکستان مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. جامعه‌شناسانی مانند دورکیم و مرتون معتقدند در جوامعی که تغییرات اجتماعی سریع وجود دارد دچار آنومی می‌شوند و در نتیجه آن دارای آسیب‌های اجتماعی بیشتری هستند. دورکیم تشریح کرده است که در زمان‌های رکود اقتصادی ناگهانی و یا رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی و خودکشی رخ می‌دهد (بلومنتال و کوپفر ۱۹۹۰). در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم‌پاشیدگی هنجارها و (لذا از بین رفتن آرزوها) «آنومی» یا یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر به وجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد و حصر طبعاً نمی‌توانند ارضاء شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می‌آید. دورکیم ثروتمندی ناگهانی در مقابل فقر را یک عامل بحران‌زا، و دلیل آن را در تغییرات شتابزده اجتماعی - اقتصادی می‌بیند که موجب از هم‌پاشیدگی هنجارهای سنتی، یعنی وضعیت سریع آنومی می‌گردد (مرتین ۱۹۶۸؛ نقل از رفیع پور، ۱۳۸۰: ۳۵). مرتون بهم خوردن رابطه بین اهداف از یک طرف و وسایل مشروع برای دستیابی به این اهداف توجه می‌کند. او معتقد است در یک جامعه با ثبات، بین اهداف و ارزشهای اجتماعی - فرهنگی و راههای پذیرفته شده از سوی عامه برای دستیابی به آنها یک تعادل وجود دارد. وقتی این رابطه متعادل بهم بخورد، نظم اجتماعی از بین می‌رود و آنومی به وجود می‌آید (استاک، ۱۹۸۲). همچنین فقر یکی از مهم‌ترین علت‌های خودکشی به حساب می‌آید. فقر زمانی بر

خودکشی تأثیر خواهد داشت که در مقابل فقر، فرد با خواسته‌ها و ایده آل‌هایی روبرو شود که امکان برآورده کردن آنها وجود نداشته باشد. در آن صورت است که فقر غیر قابل تحمل می‌گردد. فقر کالاهای اقتصادی در واقع عاملی نیست که تولید انومی بکند. بر عکس، در (آنجا) یک شکل سنتی و پذیرفته شده از فقر وجود دارد که انسان به آن عادت کرده است. اما شرایط وقتی تغییر می‌کند، که از طریق گسترش وسایل ارتباط جمعی، تصویر یک نوع زندگی مرفه تر (مثلاً برنامه‌های تلویزیونی یا ویدئویی) تا اقصی نقاط جوامع تکامل نیافته رخنه می‌کند (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۱۹۸). در پی تضاد این دو عامل، نیازهای بی حد و حصر رشد می‌کنند پس از آن، حرکتهای ناگهانی رکود یا رشد اقتصادی، بسیاری از مواقع یک وضعیت انومی به شکل یک گمگشتگی فرهنگی جهش (و از دست دادن هویت فرهنگی) را در پی دارد که نه فقط یک نارضایتی عمیق، بلکه علاوه بر آن نا آرامی‌های سیاسی گسترده‌ای را به وجود می‌آورد. لذا ایران و تاجیکستان کشورهایی هستند که در شرایط گذار قرار دارند و تجربیات جدید در رابطه توسعه، مدرنیته، رسانه‌های جدید و پدیده جهانی شدن در آنها وجود دارد. فرایند توسعه و ایده آل‌ها و چشم اندازهایی که از وضعیت فعلی و آینده در این دو کشور وجود دارد، به گونه‌ای است که آسیب‌های زیادی را دامن می‌زند. این مقاله به دنبال مطالعه تجربه زنانی است که در ایران و تاجیکستان از خودکشی نجات پیدا کرده اند و بدین ترتیب در پی آن است تا به زیست جهان آنها نزدیک شده و مهم‌ترین عوامل خودکشی را در مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین زنان دو منطقه استان ایلام در ایران و شهر دوشنبه و توابع آن در تاجیکستان، روشن سازد.

طرح مسئله

مسئله خودکشی با یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عینی و ذهنی انسان‌ها یعنی حفظ حیات خود و دیگران مرتبط است و این امر را در معرض خطر قرار می‌دهد. با بالا رفتن آمارهای خودکشی در سطح جهان و در کشورهایی مانند ایران و تاجیکستان، مطالعات اجتماعی باید بر روی این مسئله متمرکز شوند و به مثابه یک وظیفه، مطالعات اجتماعی باید به ریشه یابی مسئله خودکشی و ارائه راه حل‌هایی برای جلوگیری از این مسئله بپردازند. بنابراین به لحاظ وضعیتی که در حال حاضر در آن قرار داریم، به مثابه یک وظیفه مطالعه خودکشی یک ضرورت برجسته است. این مطالعه نیز در راستای این ضرورت به مطالعه علل خودکشی زنان در ایران و تاجیکستان می‌پردازد.

اما خودکشی امری تک بعدی نیست و متأثر از شرایط کلان اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع به صورت کلی است. شرایط بی ثبات سیاسی و اجتماعی، بحران‌های اقتصادی، مواجهه سنت و مدرنیته، رسانه‌های جمعی، فردگرایی پست مدرن و تنها افتادگی انسان‌ها و ستم‌های ملی و قومی

باعث خودکشی می‌شود. به نظر می‌رسد مطالعه تک بعدی خودکشی با توجه به اینکه ناچار است بسیاری از عوامل را نادیده بگیرد نمی‌تواند به صورت پایه و اساسی پدیده خودکشی را تبیین کند و یا توصیف کند. به همین دلیل در این مطالعه ما بر آن هستیم تا مطالعه خودکشی را از حالت تک بعدی بیرون بیاوریم و پدیده خودکشی را به مثابه امری فردی در رابطه با مسائل کلان اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار دهیم. در این مطالعه جنبه‌های روان شناختی از این جهت مورد مطالعه قرار می‌گیرد که در نهایت این جنبه‌های روان شناختی است که به امر خودکشی می‌انجامد. مسائل کلان اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و نحوه رفتار انسان‌ها از علّت‌های مهم خودکشی هستند اما در نهایت فردی که به خودکشی دست می‌زند دچار مسائل و مشکلات شخصیتی می‌شود و از لحاظ روانی در شرایط نابسامان و از هم گسیخته قرار می‌گیرد. بنابراین بررسی و مطالعه مسائل روانی و از بعد روان شناختی امری ضروری است و در این تحقیق یکی از مهم‌ترین مراحل تحلیل و ریشه یابی خودکشی به تحلیل روان شناختی این مسئله پرداخته می‌شود.

تحلیل اجتماعی یکی دیگر از ابعادی است که در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد. تحلیل اجتماع دو سطح خرد و کلان را در بر می‌گیرد و تأثیر افراد خانواده تا ساختارهای کلان اجتماعی را در بر می‌گیرد. وضعیت اجتماعی بسیار گسترده است و توصیف و ارائه یک فهم کلی از شرایط اجتماعی به ناچار امری تاریخی است و باید به زمینه‌های اجتماعی در بستر تاریخی آن مورد مطالعه قرار بگیرند. بنابراین در هر دو جامعه ایران و تاجیکستان که در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرند، ما توصیفی از وضعیت اجتماعی و سیاسی ارائه می‌کنیم که وضعیت کلی اجتماعی را توصیف می‌کند. در نهایت این مقاله به دنبال جوابگویی به این سوال است که عوامل فرهنگی مؤثر بر خودکشی مانند روحیه خشونت و جنگ، فرهنگ قومی، اهل نزاع و درگیری بودن خانواده و فرهنگ ناموس پرستی - حفظ آبرو و حیثیت خانواده طی چه فرایندی بر خودکشی زنان تأثیر می‌گذارند؟

مبانی نظری

در این مقاله از آن جهت که با رویکردی کیفی به مسئله خودکشی در زنان نگاه می‌کند، چارچوب نظری مشخصی مورد استناد نمی‌باشد، در واقع این تجربیات خاص زنان است که معیار قرار گرفته است. اما جهت مشخص نمودن و درک فضای مفهومی مقاله سنت‌های نظری مرتبط به مسئله خودکشی و عوامل مختلفی که باعث خودکشی می‌شوند و در این سنت‌های نظری برجسته شده‌اند مورد اشاره قرار می‌گیرند.

فیلسوفان یونان باستان و دوران قرون وسطی خودکشی را به خاطر منافات با اراده خیر و خداوند مورد انتقاد قرار دادند و آن را امری غیر اخلاقی می‌دانستند (لاباکس و اینگلههارت، ۱۹۸۰؛ چولبی، ۲۰۰۹). در دوران روشنگری فیلسوفانی مانند هیوم، خودکشی را نشان از آزادی انسان در تعیین سرنوشت خود می‌دانست (مینویس، ۱۹۹۰). در واقع تمامی فیلسوفان چه موافقان با خودکشی و چه مخالفانی که خودکشی را امری غیر اخلاقی می‌دانستند، خودکشی را ارادی و متأثر از تصمیم‌گیری فرد فرض می‌کردند. اما در نهایت این فیلسوفان لیبرال در قرون هیجده و نوزده بود که فرایند خودکشی را به مثابه امری عقلانی مورد توجه قرار دادند. برای اولین بار در رمان‌های گوته، روسو و فلور ما با اشکالی از نمایش ایده آل رومانیتیک در مورد خودکشی روبرو هستیم که در آن خودکشی واکنشی ضروری به روح بدفهمی و اضطراب شکست عشقی و یا اجتناب و دوری از جامعه است (لیبرمن، ۲۰۰۳). عقلگرایان معاصر نیز خودکشی را به مثابه یک انتخاب عقلانی و عملی در نظر می‌گیرند و از این نظر آن را مقبول می‌دانند. فردی که خودکشی می‌کند در وضعیت فعلی خود با انتخاب‌هایی روبرو است. انتخاب اینکه چه نوع آینده‌ای را می‌تواند رقم بزند. او آینده‌ای را متصور می‌شود که مرگ وی در آن رقم خورده است و این آینده می‌تواند تا یک ساعت دیگر رقم بخورد، و یا آینده‌های دیگری که شاید زیاد در دسترس وی نباشد. بنابراین فرد در این شرایط بر اساس اطلاعاتی که از سناریوهای ممکن در اختیار دست به یک انتخاب عقلانی می‌زند و این انتخاب عقلانی از دیدگاه عقل‌گرایان امری عادلانه و مجاز است (براندت، ۱۹۷۵).

در رابطه با مساله خودکشی، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی به بررسی سابقه خودکشی، معنای نمادین آن و علت‌های اجتماعی و کلان آن می‌پردازد (مک مانر، ۱۹۸۱). اولین تحلیل مشهور جامعه‌شناختی از خودکشی، توسط امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی ارائه شد. بر پایه نتایج تحلیل جامعه‌شناختی او در کتاب خودکشی، تغییرهای در نرخ خودکشی در میان گروه‌های مختلف را نمی‌توان با بیماری ذهنی، زمینه قومی یا نژادی، و وراثت یا شرایط آب و هوایی یا تقلید تبیین کرد (دورکیم، ۱۳۷۸). او استدلال کرد که در جامعه و گروه‌های اجتماعی، نیروها و فشارهایی وجود دارند، که عمل خودکشی را تشویق یا تقبیح می‌کنند.

بنابراین خودکشی از عوامل و نیروهای اجتماعی بر می‌خیزد. مهم‌ترین عامل اجتماعی مشخص که او به عنوان عامل تبیین‌گر خودکشی معرفی می‌کند، "همبستگی و یگانگی اجتماعی" است (همان). فردیناند تونیس نیز یکی از جامعه‌شناسانی است که مسئله خودکشی را نتیجه تفاوت‌های زندگی سنتی و گذار به مدرنیته می‌داند. وی معتقد بود که برای یافتن مهم‌ترین دلایل آسیب‌های اجتماعی

به ویژه خودکشی باید به تاریخ و رشد جوامع و ایجاد تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی توجه نمود. چرا که تغییر از فرهنگ سنتی - عشیره‌ای به فرهنگ شهرنشینی باعث از میان رفتن دلبستگی‌ها می‌شود (نقل از کیوسیتو، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

در تبیین و توصیف فرایند خودکشی به جز دیدگاه‌های عقلگرایانه که خودکشی را امری ارادی می‌دانند، یک سنت نظری رقیب به اسم روانکاوی وجود دارد که با دیدگاه‌های فروید در مورد ناخودآگاه آغاز می‌شود. فروید خودکشی را نتیجه نبردی ناخودآگاه بین غریزه مرگ و غریزه زندگی می‌داند که در نهایت فرد با انحراف خشونت بیرونی به سوی درون خود به غریزه مرگ امکان بروز می‌دهد (نقل از حسینی، ۱۳۸۳: ۸۶). در تبیین فرایند خودکشی در روانکاوی افسردگی و نفرت دو مفهوم هستند که در نهایت خودکشی را ممکن می‌سازند. فروید نفرت از خویشتن را که در افسردگی مشاهده می‌شود ناشی از خشم معطوف به یک شیء مورد علاقه توصیف نمود، خشمی که چنین افرادی آنرا به سوی خود باز می‌گردانند. فروید (۱۳۸۲) خودکشی را حد اعلای این پدیده دانسته و تردید داشت که کسی بدون میل سرکوب شده‌ی پیشین، خودکشی کند. لاکان نیز به عنوان یک روانکاو خودکشی را به خشونت‌ی مربوط می‌داند که فرد در روند رشد، مرحله‌ی آینه‌ای را تجربه می‌کند (کریستوا، ۱۹۸۷)، نیز معتقد است که کودک در دوران آینه‌ای خود واحد را در برابر غریزه‌های از هم گسسته می‌بیند و در این حال به تصویر آینه‌ای خود عشق می‌ورزد، اما از ترس اینکه این آینه هویت او را مورد تهدید تکه تکه شدن قرار دهد، از آن متنفر است. بنابراین اصولاً خشونت از دیدگاه لاکان امری نارسیستی است، که به سادگی می‌تواند از یک خود شیفتگی بی نهایت به نقطه مقابل آن یعنی پرخاشجویی انتحاری نارسیستی تغییر جهت دهد (به نقل از اونز، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

بنابراین ما به لحاظ نظری با دو ساز و کار (مکانیسم) عقلانی و روانی روبرو هستیم که تصمیم‌گیری به خودکشی را ممکن می‌سازد. در نگاه اول خودکشی نتیجه درک شرایط موجود و سنجش وضعیت است که در صورت عدم وجود هیچ امید و راهکار جایگزینی خودکشی انجام می‌گیرد، اما روانکاوی بر این باور است که تصمیم نهایی به خودکشی نتیجه تفکر عقلانی نیست بلکه از ساختار دوگانه عشق و نفرت نسبت به خویشتن سرچشمه می‌گیرد.

روش شناسی

این تحقیق در قالب روش‌های کیفی کار خود را انجام می‌دهد. روش‌های کیفی درک و فهم مناسب فرهنگی که کنشگران از طریق آنها زندگی اجتماعیشان را تنظیم می‌کنند، امکان پذیر می‌سازد.

تحقیق کیفی مستلزم نگرش پژوهشی خاصی است که مبتنی بر اولویت موضوع پژوهش، جهت دار بودن فرایند تحقیق، و این که محقق باید با افراد مورد مطالعه دیدار کند (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲). در این پژوهش با ۳۰ زن که در استان ایلام و ۳۰ زن در شهر دوشنبه و توابع آن در تاجیکستان که دست به خودکشی ناموفق زده اند در مورد تجارب آنها از خودکشی مصاحبه انجام شده است. مصاحبه‌ها به تدریج از تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۵ تا ۱۳۹۱/۶/۱۵ انجام شده است. نمونه گیری از افراد نیز به صورت اشیاعی انجام شده است که در آن با تعدادی از افراد مصاحبه می‌شود و این کار آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا محقق احساس کند که جوابها تکراری شده اند. عمل نمونه گیری نیز بر اساس نمونه گیری نظری و در نظر گرفتن حداکثر تغییرات (لیندلاف و برین، ۱۹۹۵) انجام گرفته است. در این مقاله ما بر آن بودیم تا حداکثر الگوهای ممکن را در مورد ابعاد مختلف مسئله خودکشی مورد مطالعه قرار بدهیم. بدین معنی که ما ابتدا در بعد اقتصادی سوالات خود را در مورد مسائلی مانند ایده آل‌های زندگی، مسئله فقر و تأثیر آن در نابسامانی خانوادگی و وضعیت معیشت و زندگی مطرح ساخته ایم. در قدم بعدی به جنبه‌های روان شناختی مسئله خودکشی توجه کرده ایم و از مصاحبه شوندگان در رابطه با موضوعاتی مانند، موارد سابقه خشونت، احساس بی‌پهودگی، احساس تنفر، نهیلیسم، بی دفاعی، وضعیت خانوادگی از نظر نرمال بودن و یا غیر نرمال بودن و همچنین بحران هویت و شخصیت و سابقه افسردگی افراد سوالاتی را مطرح کرده ایم. همچنین در بعد جامعه شناختی ما به دلایل فرهنگی و اجتماعی مانند سابقه خودکشی در یک فرهنگ، داستان‌ها و حکایت‌ها در مورد خودکشی، خشونت در خانواده، پدر سالاری، همبستگی اجتماعی و یا از هم گسیختگی اجتماعی، توسعه و شهر نشینی سوالاتی را مطرح کرده ایم.

برای تحلیل داده‌ها از روش کد گذاری موضوعی استفاده شده است. این روش بر اساس اثر اشتراوس (۱۹۸۷) و برای مطالعات تطبیقی که گروه‌های مطالعه‌ای که از سوالات تحقیق نشات گرفته‌اند و در نتیجه به طور پیشینی تعریف شده‌اند (به نقل از فلیک ۱۳۸۷: ۳۴۱)، استفاده می‌شود. پیش فرض روش شناسی در اینجا این است که مصاحبه شوندگان در مورد یک موضوع واحد دارای دیدگاه‌ها و نوع تجربه‌های مختلفی می‌باشند که می‌توان آنها را گروه بندی کرد. این روش تحلیل با روش نمونه-گیری که در آن حداکثر دامنه تغییرات گنجانده شده است تا تمامی انواع تجربه‌های ممکن را در بر بگیرد، متناسب است. فرآیند تحلیل داده‌ها در این مقاله بر اساس روش کد گذاری موضوعی، بدین گونه انجام می‌شود که ابتدا ما تحلیلی عمیق از موارد منفرد تجربه خودکشی نا موفق، به عمل آورده ایم و به این ترتیب به به یک دیدگاه کلی در مورد هر کدام از افراد و تجربه خاص آنها رسیده‌ایم. پس از تحلیل‌های موردی، مقوله‌ها و حوزه‌های موضوعی بیرون کشیده شده است، که امکان مقایسه بین

آنها را فراهم کند. در واقع ما با تحلیل مصاحبه‌ها به تجربه تکین و خاص هر فرد توجه داشته ایم و در عین حال در پی آن بوده ایم تا مشترکات بین تجربیات در حوزه‌های موضوعی متفاوت مانند انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روانشناختی را استخراج کنیم. مقوله بندی و کد بندی مصاحبه‌ها بر اساس موضوع آنها انجام شده است. برای نمونه در تحلیل یک مصاحبه پس از مطالعه قسمتی از مصاحبه بر اساس نحوه جوابگویی فرد مصاحبه شونده در ذیل انگیزه‌های روانی، اجتماعی و یا اقتصادی دسته بندی شده اند. سپس برای نمونه در حوزه موضوعی اقتصادی، به موارد ریزتری مانند مشکلات مالی، بدهکاری، بیکاری و غیره توجه نموده ایم. آنچه در نهایت تحت عنوان گزارش ارائه شده است، در سطح مشترکات بین مصاحبه‌ها و با موضوعی کلی می‌باشد که برای هر توضیح یک نمونه انضمامی نیز به عنوان مثال ارائه شده است.

تحلیل میدانی

در این قسمت نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و اطلاعات به دست آمده از مصاحبه با زنان ایلامی و تاجیک در زمینه شرایط کلی زندگی، دلایل روانی و اجتماعی و فرهنگی خودکشی ارائه می‌شود. همانطور که اشاره کردیم دسته بندی اطلاعات بر اساس کد بندی موضوعی انجام گرفته است. ما ابتدا دیدگاه‌های کلی را در رابطه با موضوعات مرتبط با خودکشی زنان در ایلام و تاجیکستان را ارائه می‌کنیم و برای هر موضوع مشترک نقل قولی مستقیم از مصاحبه شونده‌گان ارائه می‌کنیم.

توصیف شرایط زندگی مصاحبه شونده‌گان

یکی از مهم‌ترین دلایل خودکشی افراد چه زن و چه مرد نارضایتی از شرایط زندگی می‌باشد. این نارضایتی طیف وسیعی از شرایط اقتصادی و رفاهی گرفته تا نابرابری‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد. در این قسمت ما سعی می‌کنیم تا توصیفی از شرایط زندگی زنانی که در استان ایلام ایران و همچنین در شهر دوشنبه تاجیکستان دست به خودکشی ناموفق زده‌اند ارائه کنیم. جدول زیر توصیفی از شرایط زندگی را در بین زنان ایلامی و تاجیک ارائه می‌شود.

جدول (۱) توصیف شرایط زندگی در بین زنان ایلامی و تاجیک

موضوع	زنان ایلامی	زنان تاجیک
وضعیت اقتصادی	بیشتر زنانی که مورد مصاحبه قرار گرفته اند از طبقه فقیر جامعه بودند و در بین زنان ایلامی از ۲۰ مورد تنها ۳ زن خود را از طبقه متوسط و متوسط رو به بالا معرفی کردند.	تمامی زنانی که در تاجیکستان دست به خودکشی زده اند و مورد مصاحبه قرار گرفتند، خود را از طبقه پایین و فقیر جامعه معرفی کردند که به شدت از شرایط اقتصادی خود ناراضی بودند.
وضعیت شغلی	بیشتر زنان ایلامی شغل خود را خانه دار و یا در واقع بیکار معرفی کردند و تعداد کمی نیز که شاغل بودند، شرایط شغلی خود را نابرابر معرفی کردند و از تبعیض درآمدی و نوع کار خود ناراضی بودند.	در تاجیکستان تمامی زنانی که با آنها مصاحبه انجام شد، در شرایط بیکاری قرار داشتند و یا در صورت داشتن کار، دستمزد آنها توسط شوهر و یا خانواده شوهر گرفته می‌شد.
شرایط اجتماعی	زنان ایلامی از وجود شکاف نسلی بین خود و والدین و عدم درک و تفاهوم مابین ناراضی بودند. در مواردی نیز زنان از تفاوت سنی بین خود و شوهرشان ناراضی بودند. آنها از مواردی مانند تعصب و غیرت بیهوده و آبرو داری، اجبار در ازدواج، محدود کردن زنان در خانه و عدم اجازه برای فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه ناراضی بودند.	زنان تاجیک نیز تفاوت نسلی و تفاوت ارزش‌های موجود در تاجیکستان ناراضی بودند. ازدواج‌های اجباری، عدم امکان ادامه تحصیل و عدم امکان اراده مستقل برای زنان و از دواج اجباری نوجوانان از جمله موارد ناراضیاتی آنها از شرایط اجتماعی تاجیکستان بود.
وضعیت شهر محل سکونت	بیشتر زنان ایلامی از سنتی بودن شهر ایلام، دخالت مردم در کار یکدیگر، قبیله‌ای بودن و فضای مردسالارانه شهر به شدت ناراضی بودند. آنها فضای ایلام را حزن انگیز و مرده و کثیف می‌دانند که زندگی کردن را غیر قابل تحمل کرده است.	زنان تاجیکستانی نیز از فرهنگ مرد سالاری حاکم بر شهر دوشنبه و شهرهای اطراف آن، کثیف و کهنه بودن محل زندگیشان و وجود بقایای جنگ داخلی، دخالت همسایگان و خویشاوندان در کار همدیگر ناراضی بودند.

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید زنان ایلامی و تاجیکی که دست به خودکشی ناموفق زده اند، چهره‌ای بسیار سیاه از زندگی خود توصیف کرده اند. به نظر می‌رسد که کلیت فضای زندگی اجتماعی و اقتصادی و فضای شهر باعث افسردگی بلند مدت زنان شده است. زنانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند این شرایط را عمومی و برای همگان می‌دانند و مهم‌ترین عامل را فضای مرد سالار حاکم بر زندگی خود و عوامل فقر اقتصادی می‌دانستند. برای نمونه علیا ۳۰ ساله می‌گوید:

«چون جو حاکم یک جو سنتی است. تقریباً ساختار فرهنگی این شهر بر خیلی افراد تأثیر گذاشتند و دختران قشر آسیب‌پذیر این جامعه هستند و آنطور که می‌خوان نمی‌تونند وارد عرصه اجتماعی بشن. به نظر من مشکلات خیلی خاصی برای قشر دختران وجود داره. محیط سنتی آداب و رسوم سخت گرفته می‌شن که بیشتر از جانب خانواده‌ها اعمال می‌شن. دخترا اون طوری که می‌خوان نمی‌توانن وارد اجتماع بشن. من یه پوششی رو انتخاب کردم که همسر هم موافق باشه که توی این محیط راحت باشم. پسرا هم محدودن ولی خیلی کمتر است نسبتاً به دخترا، خونواده‌ها برای پسرا زیاد محدودیت ایجاد نمی‌کنند».

همچنین فیروزه ۳۲ ساله از فیروز آباد تاجیکستان می‌گوید:

« اینجا زندگی کردن و اقعاً غیر قابل تحمل شده، ما توی شلوغی و کثافت زندگی می‌کنیم. همیشه درگیری وجود دارد، افراد به همدیگه احترام نمی‌گزارند. ما به صورت دسته جمعی زندگی می‌کنیم. من همیشه دوست داشتم با همسرم جدا از بقیه افراد خانواده زندگی کنیم. اما همیشه، حتی من یه اتاق خصوصی برای خودم ندارم. تنها شبها من و همسرم تنها هستیم، روزها هیچگاه نمی‌تونم تنها باشم. بیکاری، اعتیاد و دعوا و مرافعه توی محله همیشه عذابم می‌ده، خیلی دوست دارم از اینجا برم، اما چاره چیست».

عوامل اجتماعی خودکشی در ایلام و دوشنبه

زنان ایلامی و تاجیک شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی خود را بسیار ناگوار توصیف می‌کردند. محدودیت‌های مختلف در خانواده و در بیرون از خانه و عدم وجود امکانات تحصیلی و شغلی و در کل نبود امکانات رفاهی باعث شده بود تا دید زنان منتحر ایلامی و تاجیک نسبت به زندگی تاریک شود. اما در مصاحبه با این زنان ما به این نتیجه رسیدیم که علت‌های زیادی وجود دارند که خودکشی را ایجاب می‌کنند. در این قسمت سعی می‌کنیم تا علت‌های اجتماعی خودکشی را از درون تجربه‌های خود زنان منتحر ارائه بکنیم.

جدول (۲): علل اجتماعی خودکشی

دوشنبه	ایلام	عوامل اجتماعی
در تاجیکستان نیز ذهنیت استفاده از خودکشی برای نجات زنان از شرایط نابرابر و غیر قابل تحملی امری معمول است.	تهدید به خودکشی در خانواده‌های ایلامی امری معمول است و بخصوص تهدید به خودسوزی به صورت امری عادی در شوخی‌ها و در صحبت‌های روزمره به کار می‌رود	ذهنیت خودکشی در زندگی روزمره
در بین زنان تاجیک نیز خشونت مداوم خانوادگی بر علیه زنان از مهم‌ترین علل‌های خودکشی زنان بود.	خشونت خانوادگی از طرف پدر و مادر در بین زنان ایلامی به عنوان شایعترین علت خودکشی عنوان شده است	خشونت خانوادگی
در تاجیکستان در مواردی ناموس پرستی باعث ترک تحصیل زنان و زندانی شدن آنها در خانه و اعمال خشونت بر علیه آنها شده است.	در هنگام رخ دادن رفتارهای خلاف عرف و فرهنگ، زنان به عنوان مقصران اصلی مورد شکنجه و خشونت‌های همیشگی قرار می‌گیرند که در مواردی باعث خودکشی زنان شده است.	ناموس پرستی
چند زنی در بین تاجیک‌ها و زندگی دسته جمعی جاری‌ها با مادر شوهر یکی از عوامل نداشتن استقلال و حریم خصوصی در بین زنان تاجیک است.	دخالت‌های خویشاوندان در کارهای همدیگر و زندگی دسته جمعی و طایفه‌ای باعث شده است تا در مواردی زنان از حریم خصوصی برخوردار نباشند.	نبودن حریم خصوصی برای زنان
در تاجیکستان زنان از کودکی به عقد مردان در می‌آیند و ازدواج‌های اجباری و عدم رضایت زنان امری معمول است که در مواردی به خودکشی انجامیده است.	ازدواج اجباری و در سنین پایین زنان در مواردی باعث نارضایتی آنها شده است. این امر در مناطق سنتی و فقیر نشین ایلام معمول است	ازدواج تحمیلی

جدول بالا مهم‌ترین دلایل اجتماعی خودکشی در بین زنان ایلامی و تاجیکستانی را نشان می‌دهد. زنانی که در این تحقیق مورد مصاحبه واقع شده اند در مورد خودکشی خود به وضعیت‌های مذکور اشاره کرده اند و در بین زنان ایلامی و تاجیک مشابهت‌های زیادی در این مورد وجود دارد. اشاره به مواردی از نابرابریهای اجتماعی و روابط سنتی حاکم بر زندگی زنان در ایلام و تاجیکستان بسیار مشهود است. در واقع مهم‌ترین علل‌های خودکشی در بین زنان ایلامی و تاجیک نتیجه عدم توسعه فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. محدودیت‌های سنتی در مورد زنان، جنس دوم بودن آنها، عدم استقلال مالی، ناموس پرستی و اعمال خشونت‌های مداوم بر زنان ایلامی و تاجیک نشان می‌دهد که خودکشی این

زنان نه تنها نتیجه انزوا و دور افتادگی از جمع نیست بلکه نتیجه فشارهای بیش از حد جمع و فضای مرد سالار برای کنترل آنها است.

برای نمونه حلیمه ۲۶ ساله از مهران (ایلام) در این باره می‌گوید:

«قبل از اینکه با شوهر فعلیم ازدواج کنم، عاشق فرد دیگه‌ای بودم، به خاطر بیکاری و فقر خانواده من با ازدواج ما مخالفت کردن، چند بار دزدکی همدیگه رو می‌دیدیم که پدر و برادرم فهمیدن و غوغایی به پا شد، بعد اون از ترس، فوری من و شوهر دادن. بعدها که شوهرم فهمید، اخلاقی کاملاً عوض شد، سر هر چیزی الکی به من گیر می‌داد و بعد فوش و کتک کاریها شروع شد. توی خونه حبس بودم، عروسی و عزا نمی‌تونستم برم، شک و ظن شوهرم روز به روز بیشتر می‌شد، محرومیت‌هام، کتک کارهای شوهرم، بد و بیراه‌های اطرافیانم دیگه غیر قابل تحمل بود برام».

بانو ۲۳ ساله از ورزاب (توابع دوشنبه) می‌گوید:

«سه تا عروس همراه مادر شوهر و پدر شوهرم توی یک خونه زندگی می‌کنیم. وقتی یک نفر اعصابش خورده و یا مشکلی براش پیش میاد همه درگیر می‌شن، تقریباً ما هر روز دعوا و مرافعه داریم، هیچ جایی هم نداریم تا یک لحظه آسوده و راحت به دور از دیگران در مورد زندگی خودمان فکر کنیم. این وضعیت برای ما زنان بیشتر از شوهرانمان مشکل درست میکنه، و تحملش سخت تره، به جز من هستند زنان دیگه‌ای که به خاطر نداشتن حریم خصوصی و آرامش و درگیری با مادر شوهر و بقیه عروس‌های توی یه خونه دست به خودکشی زده اند».

شرایط روان شناختی خودکشی زنان

در این قسمت به شرایطی روانی و علت‌های روانی خودکشی در بین زنان ایلامی و تاجیکی در شهر دوشنبه اشاره می‌کنیم. وضعیت روانی از این نظر از اهمیت زیادی برخوردار است که لحظه تصمیم‌گیری برای خودکشی، لحظه‌ای خاص برای هر فرد است. نارضایتی‌ها و شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی می‌توانند افراد را از ادامه زندگی کردن نا امید کنند، اما همیشه لحظه تصمیم‌گیری برای خودکشی برای همگان پیش نمی‌آید و برای افرادی که دست به خودکشی می‌زنند، وضعیتی خاص و ناب را به وجود می‌آورد که در این قسمت در مورد زنان ایلامی و زنان تاجیک به آنها اشاره می‌کنیم.

جدول (۳): وضعیت روانی زنان منتحر ایلامی و تاجیک

وضعیت روانی زنان منتحر	زنان ایلامی	زنان تاجیک
تحقیر نفس	تحقیر نفس یکی از وضعیت‌های روانی منتج به خودکشی است که در بین نمونه‌های مورد مطالعه در ایلام شایع بود. آنها جایگاه خود را در خانواده و در اجتماع ناچیز می‌دانند و در موارد مختلف خود را سرزنش می‌کنند.	فشارهای ناشی از تعدد زوجات و یا زندگی در خانواده‌های گسترده باعث شده است تا زنان تاجیک شکلی از تحقیر نفس را تجربه کنند و جایگاه خود را در ساختار بسیار پایین بدانند.
نارسیسم	یکی دیگر دلایل خودکشی در بین زنان نوعی از احساس نارسیسمی و خودبزرگ بینی افراطی است. در این شکل از مشکلات روانی ما باز با نوعی احساس بی ارزشی روبرو هستیم. اما در این شکل از بی ارزشی نفس فردی که مرتکب خودکشی می‌شود دیگران را مقصر می‌داند برای اینکه جایگاه و ارزش والای وی را درک نکرده اند.	انگیزش‌های روانی و نحوه پاسخگویی و واکنش بیماران در شرایطی که دچار حب نفس یا نارسیسم هستند بسیار شبیه هم بود. آنها همیشه خود را حق به جانب می‌دانند و خشونت‌های خود را بر علیه دیگران توجیه می‌کنند و دیگران را بابت بدبختی خود مسئول می‌دانند. خشونت در این افراد در شرایطی به بالاترین حد خود می‌رسد و متوجه درون خود و خود تخریبی می‌شود.
افسردگی شدید	تقریباً بیشتر کسانی که ما با آنها مصاحبه انجام دادیم از افسردگی رنج می‌بردند. در ایلام افسردگی در نتیجه مسائل و مشکلاتی مانند دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق، طبیعت خشک و گرمای همیشگی ایلام، فقر و وضعیت کثیف شهرها و محدودیت‌های بیش از حد برای زنان به وجود آمده است.	در بین زنان تاجیکی نیز در واقع حوادثی مانند جنگ داخلی، در تاجیکستان نیز گرانی و فقر شدید، رفتارهای نامناسب خانواده‌ها، محدودیت‌های افراطی برای زنان باعث شده است تا زنان دچار افسردگیهای شدید بشوند.
از هم گسیختگی روانی یا اسکیزوفرنی	در بین نمونه‌های ایلامی تنها با یک نفر روبرو شدیم که از مشکلات حاد روانی و از هم گسیختگی ذهنی رنج می‌برد. اطرافیان وی بر این باور بودند که جن زده شده است.	در بین نمونه‌های تاجیک نیز تنها یک مورد از هم گسیختگی روانی وجود داشت. و از مشکلاتی از قبیل وسواس بیش از حد، سوء ظن نسبت به دیگران و توهم رنج می‌برد.

یک جمع بندی کلی در مورد مسائل مشکلات روانی در افرادی که دست به خودکشی زده اند، مشکلات روانی به سه گروه تحقیر نفس، پرخاشگری و نارسیسم و اسکیزوفرنی تقسیم می‌شوند. بیشتر این مشکلات ریشه در خانواده و نحوه رفتار خانواده با افراد دارد. در مرحله دوم عوامل محیطی و تاریخی مانند جنگ ایران و عراق در ایلام و جنگ داخلی در تاجیکستان تأثیرات ناگواری بر روی روحیه افراد گذاشته است. فقیر شدید و محیط به شدت محدود مردسالاری در ایلام و تاجیکستان نیز در تشدید وضعیت نامناسب روانی افرادی که مرتکب خودکشی شده اند نقش داشته است. به نظر می‌رسد که تربیت اولیه خانواده تأثیر بسیار زیادی بر اشکال بروز عقده‌های حقارت دارد. عدم توجه والدین به بچه‌ها، اعمال تبعیض آمیز بین دختر و پسر و یا فرزندان بزرگ و کوچک، توهین و کتک کاری‌های مکرر و بسیاری از موارد دیگر از عوامل به وجود آورنده این مشکلات روانی هستند. برای نمونه حلیمه ۲۶ ساله از مهران می‌گوید:

« پدر و مادرم همیشه بین من و برادرارم فرق می‌گذاشتن، همیشه برای اونا لباس‌های بهتری می‌خریدند، پول بیشتری به آنها میدادن، من هیچ اهمیتی برای آنها نداشتم. من با این احساس تنهایی و تبعیض بزرگ شدم. کم کم از پدر و مادرم بدم اومد از برادرارم، از خودم. تا اینکه یه بار تقریباً ۱۳ ساله بودم، مادرم رفت و برای برادرارم چایی ریخت، ولی برای من چایی نیاورد، خیلی بهم برخورد، رفتم و از بالای یه دیوار بلند که زیرش کلی سنگ برای ساختمان سازی گذاشته بودن، خودم رو روی سنگها پرت کردم. تمامی بدنم شکست، ولی نمردم، توی ۲۰ سالگی هم یک بار سر اینکه بهم توهین کردن خودکشی کردم و توی حمام خودم رو حلق آویز کردم که زود اومدن و نداشتن بمیریم. بار سوم هم دو سال پیش بود که سر توهین‌های بابام و دعوایی که با هم داشتیم رگ دستم رو زدم، اونم شانس نیاوردم و زنده موندم.»

همانطور که در تجربه حلیمه می‌بینیم، او همیشه رفتارهای دیگران را بر علیه خود تفسیر می‌کرده است، به همین دلیل خود و نفس خود را تحقیر می‌کرده است. به گونه‌ای که دیگر زندگی برای وی ارزشی نداشته است و سه بار دست به خودکشی زده است. افرادی با این خصوصیت خیلی راحت تصمیم به خودکشی می‌گیرند. این وضعیت روانی در یک دوره طولانی و در دوران کودکی به وجود می‌آید

نتیجه گیری

در یک نتیجه گیری کلی از وضعیت خودکشی در ایلام و در تاجیکستان باید گفت که شباهت‌های زیادی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در بین دو میدان تحقیق یعنی ایلام و تاجیکستان وجود دارد. زنان در هر دو منطقه از مسائل و مشکلات مشابهی رنج می‌برند و دلایل و علّت‌های خودکشی تقریباً مانند هم هستند. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های عمیق ما را به سوی این نظر رهنمون شد که خودکشی مانند همه پدیده‌های اجتماعی امری چند بعدی است. در واقع زنانی که با آنها مصاحبه انجام دادیم هم در ایلام و هم در تاجیکستان موارد متعددی را به عنوان علّت‌های خودکشی خود ذکر کرده اند که در مجموع شرایط را برای خودکشی فراهم می‌کنند، اما در نهایت همیشه یک علّت نهایی وجود دارد که فرد را به انتهای خط می‌رساند و او را مجبور می‌کند تا مرگ را بر زندگی ترجیح دهد. اما حتی پس از اتفاق افتادن علّت نهایی خودکشی در یک خودکشی، زنان برای گرفتن تصمیم نهایی گذشته خود و دیگر علّت‌های موجود را نیز به علّت نهایی اضافه می‌کنند. روند و فرایند اقناع خود شخص برای خودکشی امری پیچیده است. در بعضی از افراد این فرایند تا حدود زیادی عقلانی است و فرد با سبک و سنگین کردن شرایط، به این نتیجه می‌رسد که هیچ وضعیت مطلوب قابل تصویری برای وی وجود ندارد، بنابراین دست به خودکشی می‌زند. در مواردی نیز احساسات در تصمیم نهایی به خودکشی بیشترین دخالت را دارد و فرد با احساس بی‌ارزسی و حقارت و یا نفرت تصمیم به خودکشی می‌گیرد. با این وجود در مواردی که با زنان مصاحبه شده است با وجود غلبه احساس بر عقل و یا عقل بر احساس، هم وضعیت احساسی فرد و هم استدلال عقلانی وی با هم بر روی تصمیم نهایی تأثیر می‌گذارند.

در نهایت بر اساس نتایج کلی این مقاله می‌توان گفت که با فراهم بودن بسترهای خودکشی که فقر و فرهنگ سنتی است، نارضایتی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی در زنان پدید می‌آید، سپس علّت‌هایی به این بسترها اضافه می‌شوند که زنان را به سوی خودکشی سوق می‌دهند. علّت‌هایی مانند خشونت خانگی و سخت‌گیری‌های مردان بر زنان، عدم تفاهم زن و شوهر و دخالت دیگران مانند پدر و مادر شوهر در زندگی زنان جزو علّت‌هایی بود که در بیشتر مواردی که زنان دست به خودکشی زده بودند وجود داشت. اما در نهایت این در بعدی روانی است که خودکشی به مثابه یک کنش اتخاذ می‌شود. افسردگی طولانی مدت، احساس بی‌ارزسی و عدم حرمت به نفس، تنفر شدید و مسائل و مشکلات حاد روانی جرات عملی کردن خودکشی را به زنان می‌دهند. در واقع این فرایند سه مرحله در بیشتر مواردی که زنان مرتکب خودکشی شده اند وجود داشته است. بنابراین ادعای اصلی این تز و تفاوت آن با دیگر تحقیقاتی که در زمینه خودکشی زنان انجام شده است در درک این فرایند سه

مرحله‌ای است. که بسیاری از نظریه‌های موجود در حوزه جامعه‌شناسی و روانشناسی را می‌توان با استفاده از آن مورد انتقاد قرار داد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مردانه و جامعه‌شناسی مردانه کارآیی چندانی برای مطالعه علل خودکشی زنان ندارد. در حالی که بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناسی مردانه مانند دورکیم و تونیس و مرتن بر شرایطی عام از ناهنجاری و آنومی در جامعه تأکید می‌کنند و یا نظریه‌های مارکسیستی بر تأثیر تفاوت‌های طبقاتی و استثمار و فقر طبقات پایین تأکید می‌کنند، مهم‌ترین مسئله و مهم‌ترین عامل در خودکشی زنان نادیده گرفته می‌شود. مردان و نحوه نگاه آنها به زنان، ایدئولوژیهای مردسالارانه که جوامع سنتی را اشباع کرده اند و همچنین فقر اقتصادی زنان که نتیجه تمامیت خواهی مردان است و به زنان اجازه کار و مالکیت و انباشت سرمایه را نمی‌دهد از مهم‌ترین عوامل خودکشی زنان در مناطق ایلام و تاجیکستان می‌باشد که تنها از دیدگاه فمینیستی قابل بحث است. بنابراین یافته‌های این رساله که نتایج آن تشریح شد با دیدگاه‌های مردانه و جامعه‌شناسی مردانه در تضاد است و در عین حال جامعه‌شناسی فمینیستی و دستاوردهای آن را برای مطالعات اجتماعی زنان مورد تأکید قرار می‌دهد.

پیشنهادات برگرفته از تحقیق

- ۱- تشکیل کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های روابط زناشویی برای زنان و مردان در مناطق مختلف آسیب پذیر .
- ۲- برگزاری اجباری کارگاه‌های آموزشی قبل از ازدواج برای آقایان جهت آشنا نمودن آنها با نیازهای روانی- عاطفی زنان .
- ۲- نهادینه کردن پیشگیری از خشونت مردان به زنان ، از مجاری قانون .
- ۳- آشنا نمودن زنان به حقوق خود، توسط رسانه‌ها.
- ۴- ایجاد مراکز رایگان روانشناسی ومشاوره به ویژه در مناطق روستایی و حاشیه شهرها ، جهت پیشگیری از خشونت .
- ۵- ایجاد مراکز رایگان مهارت آموزی برای زنان مناطق فقیر نشین جهت کسب استقلال مادی .

تشکر و قدر دانی

شایسته است از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر ایرج ساعی ارسی به عنوان مشاور ، نهایت تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم .

منابع

الف فارسی

۱. اونز، دیلن (۱۳۸۶)، فرهنگ مقدماتی اصطلاحات روانکاوی لاکان، ترجمه مهدی پارسا و مهدی رفیع، تهران: نشر گام نو.
۲. حسینی، ابراهیم (۱۳۸۳) بررسی طیف اقدام به خودکشی و نقش متغیرهای همه گیر شناسی و روان شناختی در آن، نشریه اصول بهداشتن روانی، شماره ۳.
۳. دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، «خودکشی»، نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علاه طباطبایی.
۴. صدیق سروسستانی، رحمتا...، (۱۳۸۵) «آسیب شناسی اجتماعی» (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی) چاپ دوم با تجدید نظر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. فروید، زیگموند (۱۳۸۲)، رئوس نظریه روانکاوی، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۲.
۶. فلیک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۷. کیویستو، پیتر (۱۳۷۸)، «اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

ب انگلیسی

1. Brandt, R, (1975), "The Morality and Rationality of Suicide", in A Handbook for the Study of Suicide, S. Perlin (ed.) Oxford: Oxford University Press.
2. Cholbi, M (2009), "Suicide", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Fall 2009 Edition), Edward N. Zalta (ed.), available at: <http://plato.stanford.edu/archives/fall2009/entries/suicide>
3. Kristeva, J (1987), On The Melancholic Imaginary, new formations Number 3 Winter 1987.
4. Lebacqz, K. and Engelhardt, H.T., (1980), "Suicide", in Death, Dying, and Euthanasia, D.J. Horan and D. Mall, (eds.), Frederick, Md: Aletheia.

5. Lieberman, L, (2003), *Leaving You: The Cultural Meaning of Suicide*, Chicago: Ivan R. Dee.
6. Lindlof, T, Bryan C. T (1995), *Qualitative Communication Research Methods*, Thousand Oaks: Sage Publications.
7. McManners, J (1981) *Death and the Enlightenment: Changing Attitudes to Death among Christians and Unbelievers in Eighteenth-Century France*. Oxford: Oxford University Press.
8. Minois, G., (1999), *History of Suicide: Voluntary Death in Western Culture*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
9. Wertheimer. A (2004), *A Special Scar: The experiences of people bereaved by suicide*, Rutledge.
10. World Health Organization (2002). *World Report on Violence and Health*. Geneva. www.who.int.